

تحریک به خودکشی؛ جرم‌انگاری یا جرم‌زدایی

جعفر کوشا*

آذر علی‌نژاد**

تاریخ پذیرش: ۹۲/۴/۲۲

تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۱۷

چکیده

حقوق و اخلاق در گذشته از یکدیگر جدا نبوده‌اند اما به مرور رابطه‌ی اخلاق و حقوق شکل متفاوتی به خود گرفته است. «خودکشی» به عنوان امر مذموم اخلاقی همواره موضوع مباحث حقوقی بوده‌است با این حال ورود این مفهوم به حوزه حقوق کیفری از توجیحات لازم برخوردار نمی‌باشد. در این میان دغدغه‌ی اصلی این نوشتار بررسی لزوم جرم‌انگاری معاونت در این اقدام با در نظر گرفتن اصول حاکم بر معاونت در جرم است. به این معنا که اگر فردی دیگری را تحریک به خودکشی نموده و وی در اثر این تحریک اقدام به خودکشی نماید، آیا این استدلال که؛ با توجه به جرم نبودن عمل اصلی، تحریک به آن نیز جرم نمی‌باشد، صحیح است؟ به نظر می‌رسد با توجه به قبح اخلاقی و قابلیت سرزنش خودبه‌خودی این نوع اعمال - جدای از ملاحظات مربوط به خودکشی - و با توجه به مستندات فقهی موجود و نتایج بین فردی و اجتماعی آن، که نباید از مضرات آن چشم پوشید، جرم‌انگاری در این حوزه امری لازم است.

کلیدواژگان: خودکشی، معاونت در جرم، تحریک، مبانی جرم‌انگاری

مقدمه

در اندیشه دینی اعتقاد بر این است که تنها خداوند حق تعیین پایان حیات آدمی را دارد و چنانچه فردی موجبات مرگ خود و یا دیگری را فراهم نماید مرتکب گناهی نابخشودنی گردیده است. کنکاشی تاریخی نشان از قبح دینی و اخلاقی خودکشی در ادوار گوناگون دارد. با این همه اندیشمندان در مباحث حقوقی با این استدلال که جامعه و سایرین از این اقدام متحمل ضرری

* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول). J_kousha@sbu.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

نمی‌شوند قائل به عدم ورود این مفهوم به حوزه حقوق کیفری هستند.^۱ اگر قائل باشیم وجود عنصر ایراد ضرر به دیگری و یا اخلال در نظم اجتماعی در ورود عمل به حوزه سخت‌ترین نوع واکنش امری لازم است، پس در مواردی که به عنوان مثال فاعل (قاتل) و مفعول (مقتول) در قتل شخص واحدی باشد (خودکشی) از آنجا که به شخص دیگری ضرری وارد نشده است آیا نمی‌توان در رابطه با آن قائل به در نظر گرفتن ضمانت اجرای کیفری بود؟ البته در نظر گرفتن هر نوع مجازات در این باب فاقد خاصیت بازدارندگی حتی در خصوص شروع‌کنندگان به خودکشی دانسته شده است؛ چه این افراد بیش از هر چیز نیازمند اقدامات تأمینی متناسبی هستند تا بتوان آن‌ها را پس از چنین تجربه دردناکی به جامعه بازگرداند.^۲ بحث از خودکشی به همین جا ختم نشده و بررسی اقدامات معاونین و تحریک‌کنندگان به خودکشی نیز مستلزم نگاهی متفاوت است. با توجه به رویه متفاوت اتخاذی در خصوص معاونت در خودکشی در قوانین کشورهای مختلف، بحث از لزوم جرم‌انگاری معاونت در خودکشی ضمن توجه به اصول حاکم بر معاونت در جرم، قبح اخلاقی و مضرات اجتماعی تحریک دیگری به خودکشی و لزوم واکنش مناسب به این نوع اعمال موضوع منتخب مقاله حاضر است. در این مقال ضمن یک بررسی تطبیقی و با در نظر داشتن این امر که بر خلاف قانون مجازات اسلامی ایران، به موجب قوانین کشور فرانسه معاونت در خودکشی - علی‌رغم پذیرش سیستم استعاره‌ی مجرمیت در مجازات معاون - جرم و قابل مجازات می‌باشد سعی در بررسی لزوم جرم‌انگاری در این خصوص را داریم. با توجه به عدم جرم‌انگاری معاونت در خودکشی در قانون ایران بررسی لزوم «جرم‌انگاری» محور اصلی بحث خواهد بود و از طرفی طبعاً هر نوع نتیجه‌ی حاصله در بحث از جرم‌انگاری رابطه مستقیم با بحث از امکان و لزوم جرم‌زدایی از عمل مزبور را خواهد داشت.

^۱ - مهرپور، حسین و دیگران، "اجرای حقوقی اخلاق"، مجله مدرس، دوره ۴، شماره ۵، ۱۳۸۰، صص ۱۴۰-۱۲۵، ص ۱۱.

^۲ - Latha, K S & Geetha, N, "Criminalizing Suicide Attempts: Can it be a Deterrent?", Med. Sci. Law, Vol. 44, No. 4, 2004, available at: <http://msl.sagepub.com/content/44/4/343> (last visited on 28/05/ 2013)

۱. خودکشی

در معنای لغوی خودکشی «خود را به وسیله‌ای کشتن، انتحار» آمده است.^۱ در رابطه با مفهوم خودکشی با طیف وسیعی از تعاریف مواجه هستیم. برخی خودکشی را عملی تعریف می‌کنند که شخص برای معدوم کردن خود انجام می‌دهد. برخی عنصر اختیار در انتخاب مرگ یا حیات را نیز به آن اضافه می‌کنند و در برخی از تعاریف با مباحث مربوط به اخلاقی بودن یا نبودن عمل مواجه می‌شویم که به موجب این تعاریف اقداماتی که با انگیزه ملاحظاتی مذهبی و اخلاقی (فرار از عملی مغایر با شرف، سربار دیگران نبودن) صورت می‌گیرد، نوعی فداکاری تلقی شده و با خودکشی‌هایی که ناشی از عواطف مختل، مشوش و... است، متفاوت است.^۲ در این نوشتار منظور از خودکشی «هر نوع فعل و یا ترک فعلی است که فرد عامدانه و با هدف منتج شدن به مرگ خود مرتکب شود».

«خودکشی» از مفاهیم مورد توجه اندیشمندان علومی همچون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، حقوق و فلسفه است. روان‌شناسان بر ویژگی‌های فردی که خودکشی کرده تأکید می‌کنند تا به انگیزه‌های او دست یابند، و جامعه‌شناسان خودکشی را در چارچوب ساختار روابط فرد با دیگران بررسی می‌کنند.^۳ در نظر فیلسوفان الهی و عارفان، خودکشی یا نشانه بیماری و یا ناآگاهی از مرتبه‌ی وجودی و موقعیت هستی‌شناسی خود می‌باشد که شایسته انسان خردمند و یا باایمان نیست.^۴

«خودکشی» نزد اکثر ملل به عنوان شکلی از «کشتن» مطرح بوده است و نه نوعی از «مردن».^۵ صرف‌نظر از مواردی که خودکشی به عنوان یک عمل افتخارآمیز به حساب آمده

^۱ - معین، محمد، فرهنگ فارسی، جلد ۱، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ ۱۴، ۱۳۷۸، ذیل واژه خودکشی.
^۲ - Velasquez, Manuel G., "Defining Suicide", issues in Law & Medicine, Vol. 3, Issue 1, 1987, available at: <http://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/ilmed3&div=14&id=&page=> (last visited 11/01/2013)

^۳ - برای مطالعه تفصیلی رک. کی‌نیا، مهدی، مبانی جرم‌شناسی، جلد ۱، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ ۱۲، ۱۳۸۷.

^۴ - فیض، رضا، "نگاه یک فیلسوف و یک عارف به مساله خودکشی: فلوپین و ابن عربی"، مجموعه مقالات سومین کنگره بین‌المللی حقوق پزشکی، تهران: مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی و انجمن علمی حقوق پزشکی ایران، ۱۳۸۹، ص ۷۶.

^۵ - Ibid.

است^۱ از دیرباز در اغلب جوامع و در نظر اغلب فیلسوفان همچون افلاطون و ارسطو خودکشی عملی قبیح و ممنوع دانسته شده که به عنوان جرمی علیه حکومت و جامعه و یا خداوند مطرح بوده است. اغلب مجازات‌های مقرر برای خودکشی در موارد خاص و امور مرتبط با حکومت و بر اساس مصالح خاص تعیین می‌گردیده‌اند. در قرن ششم میلادی ژوستینین امپراطور روم قوانین عامی را در رابطه با هر فردی که اقدام به خودکشی می‌کرد وضع و مقرر کرده بود که از گرایش حکومت به ایجاد نهایت نظم در جامعه ناشی می‌شد.^۲ نفوذ دین مسیحیت در غرب عاملی مهم در ممنوع اعلام شدن خودکشی و قبح اجتماعی آن به عنوان عملی مخالف مذهب بوده است.^۳ با گسترش افکار اومانستی در کشورهای غربی و پذیرش اصل آزادی اراده انسان و حاکمیت مطلق او بر سرنوشت خویش، در اواخر قرن نوزدهم خودکشی در اغلب قوانین دنیا مورد جرم‌زدایی قرار گرفت. البته نظریات علمی مطرح شده، که خودکشی را رفتاری ناشی از بیماری‌های روانی و یا نتیجه نابسامانی‌های اجتماعی معرفی می‌کردند،^۴ در این روند جرم‌زدایی بی‌تأثیر نبوده است. به هر حال در جوامع مختلف خودکشی به عناوین مختلف خواه به عنوان سرپیچی از حاکمیت خداوند یا عمل خلاف انتظام جامعه و تکالیف خانوادگی عملی قبیح به‌شمار می‌آید.^۵

۱-۱. خودکشی از منظر فقه امامیه و حقوق ایران

رابطه میان انسان و اعضای خود رابطه‌ای طبیعی است که در علم فقه و حقوق به عنوان نوعی مالکیت ذاتی شناخته شده است که حقی از حقوق عینی است. مرحوم خوئی رابطه بین اشخاص، اعمال و انفس و ذمه‌ی آن‌ها را رابطه اضافی ذاتی تکوینی شمرده و بر این عقیده‌اند که شخص نسبت به امور مزبور دارای نوعی سلطنت جهت تصرف در نفس و شئون خود است و وجدان و

^۱ - صدیق سروستانی، رحمت...، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: سمت، ۱۳۸۶، ص ۱۵۰.

^۲ - Manson, Edward, "Suicide as a Crime", *Journal of the Society of Comparative Legislation, New Series*, Vol. 1, No. 2, 1999, available at: <http://www.jstor.org/stable/752206>, (last visited on 11/01/2013)

^۳ - Shaffer, Catherine D., "Criminal Liability for Assisting Suicide", *Columbia Law Review*, Vol. 86, No. 2, 1986, available at: <http://www.jstor.org/stable/1122707> (last visited 11/01/2013)

^۴ - ستوده، هدایت‌الله، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آوای نور، ۱۳۸۷، ص ۲۲۷.

^۵ - Manson, op. cit., p. 313.

سیره‌ی عقلا حکم می‌کند که فرد بر عمل، نفس و ذمه خویش مسلط باشد. شارع نیز این سلطنت را امضا کرده و اشخاص را از تصرفاتی که مربوط به نفس آن‌ها می‌شود منع نکرده است.^۱ بر رابطه‌ی مالکیت بر بدن در مقایسه با رابطه‌ی فرد با اموال از نظر فقهی، جز محدودیت مذکور در اصل ۴۰ قانون اساسی محدودیت «حرمت اضرار به نفس» در حال حیات نیز وارد شده است. حکم «اضرار به نفس» در فقه با حقوق متفاوت و - جز در موارد استثنا شده - دارای حکم تکلیفی «حرمت» است و مرتکب دارای مسئولیت کیفری اعم از دنیوی و اخروی می‌باشد. دین اسلام خودکشی را در شمار گناهان بزرگ قرار داده و مرتکب آن را مستوجب عقاب اخروی می‌داند؛ خداوند متعال ذیل آیه ۲۹ سوره نساء می‌فرماید: «ولا تقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیماً». در تفسیر المیزان از این آیه هم حرمت خودکشی و هم حرمت قتل غیر و البته حرمت به خطر انداختن خود استفاده شده است.^۲ حضرت علی (ع) می‌فرماید: مومن ممکن است به هر نوع مرگی بمیرد، اما خودکشی نمی‌کند. امام باقر (ع) می‌فرماید: به‌درستی که مومن به هر بلایی مبتلا می‌شود و به هر قسم مردنی می‌میرد، جز اینکه او خود را نخواهد کشت.^۳ امام صادق (ع) می‌فرماید: کسی که عمداً خود را بکشد، برای همیشه در آتش جهنم خواهد بود؛ چون خدای تعالی فرموده است «ولا تقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیماً و من یفعل ذلک عدواناً و ظلماً فسوف نصلیه ناراً و کان ذلک علی الله یسیراً».^۴

فقه‌ها ضمن بحث از حدود قاعده تسلیط^۵ در کتب قواعد فقه به بررسی چگونگی تسلط انسان بر نفس خود به فرض داخل دانستن کلمه «انفسهم» در قاعده مذکور پرداخته‌اند. نتیجه آنکه اگر مراد از تسلط انسان بر نفس خود این باشد که وی را مجاز در خودکشی و یا نقص عضو خود و یا وارد کردن ضرر شدید بر جسم و عقل خود بدانیم این نوع تسلط بر نفس پذیرفته شده نیست،^۶

^۱ - خویی، ابوالقاسم، مصباح الفقاهه فی المعاملات، ترجمه محمدعلی توحیدی، جلد ۲، نجف: مکتبه الحیدری، چاپ ۲، ۱۳۷۸، ص ۴.

^۲ - طباطبایی، محمدحسن، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، جلد ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ۱۲، ۱۳۷۹، ص ۵۰۵.

^۳ - عاملی، شیخ حر، وسایل الشیعه، جلد ۱۹، قم: موسسه آل اهل البیت (ع)، الطبعة الثانیة، ۱۴۱۴. ق، ص ۱۳.

^۴ - شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، جلد ۳، قم: جامعه المدرسین، الطبعة الثانیة، ۱۴۰۴. ق، ص ۳۷۴.

^۵ - «الناس مسلطون علی اموالهم».

^۶ - مکارم الشیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، جلد ۲، ناشر مدرسه الامام امیر المؤمنین (ع)، الطبعة الثالثة، ۱۴۱۱ هـ، ق، ص ۳۷.

چراکه قاعده لاضرر بر قاعده تسلیط حکومت دارد و «ضرر» هم شامل «مال» و هم «نفس» می‌گردد. به علاوه بر اساس قاعده فقهی «کلما اضر بالبدن فهو حرام»، خودکشی کامل‌ترین نوع ضرر به بدن و حرام می‌باشد.

در سیر قانون‌گذاری ایران خودکشی هرگز عنوان مجرمانه به خود نگرفته است؛ به عبارتی اساساً راجع به خودکشی، شروع به خودکشی یا معاونت در خودکشی، مجازاتی پیش‌بینی نشده است. البته فرض شرکت در خودکشی در حقوق ما قابل تحقق است.^۱ با این حال از غیر قابل مجازات بودن خودکشی، به دلیل شرایط خاص حاکم بر آن، نباید نتیجه گرفت که سایر صدمات بدنی که کسی به انگیزه خاص و مجرمانه، شخصاً به خود وارد می‌کند، مانند آن که عضوی از بدن خود را به منظور فرار از انجام خدمت وظیفه‌ی عمومی ناقص نماید، قابل مجازات نیست، بلکه این قبیل صدمات شخصی بدنی به عنوان عمل مجرمانه، ممنوع و قابل مجازات می‌باشند.^۲

۲-۱. خودکشی در حقوق فرانسه

تا قبل از انقلاب فرانسه، خودکشی در این کشور به دلیل نفوذ مسیحیت قابل مجازات بود. پس از انقلاب فرانسه قتل خویشتن فاقد وصف مجرمانه و مساله مشارکت یا معاونت در خودکشی نیز غیرقابل طرح بود. در حال حاضر در کشور فرانسه، خودکشی جرم نیست ولی تحریک به خودکشی موضوع مواد ۱۳ - ۲۲۳ و ۱۴ - ۲۲۳ و ۱۵ - ۲۲۳ قانون جزای فرانسه مصوب ۱۹۹۲ میلادی می‌باشد که صحبت از آن را به مبحث سوم موکول خواهیم نمود.

۲. تحریک

معنای لغوی تحریک عبارت است از: برانگیختن، و ترغیب.^۳ اما در معنای اصطلاحی و به عنوان یک مفهوم فقهی و حقوقی، این واژه دارای کاربرد و معنای خاص می‌باشد که در ادامه به آن می‌پردازیم.

^۱ - گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ۱۰، ۱۳۸۳، ص ۵۷.

^۲ - ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای اختصاصی، جلد ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ ۲، ۱۳۷۲، صص ۸۴-۷۹.

^۳ - دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه، جلد ۴، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ذیل واژه تحریک کردن.

۱-۲. تحریک به عنوان یکی از مصادیق معاونت

در قانون جزای ایران بر خلاف فرانسه که تحریک به عنوان موضوع معاونت مطرح شده است، به عنوان یکی از طرق معاونت آمده است. به موجب ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: «اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند: الف- هرکس دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع یا تحریک به ارتکاب جرم کند و یا با دسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد». تحریک به جرم یعنی واداشتن دیگری به ارتکاب رفتار خلاف قانون به هر دستاویزی، خواه با مال، وعده یا فریب و خواه با تشویق و ترغیب و به طور کلی تقویت نیروی اراده ارتکاب به جرم... به طوری که اگر قانون‌گذار در بند الف ماده ۱۲۶ به مصادیق دیگر افعال معاونت اشاره‌ای نمی‌کرد باز هم به لحاظ اطلاق تحریک فعل معاونت محقق می‌بود.^۱

به موجب ماده ۷-۱۲۱ قانون جزای فرانسه ترغیب و یا تهدید و یا تطمیع و... هر یک باید در نهایت منجر به تحریک دیگری شود تا عنوان معاونت بر آن صدق نماید. به عبارت دیگر در نظام تقنینی کیفری فرانسه آنچه موضوعیت دارد تحریک است و سایر موارد تنها در صورتی که منجر به تحریک فرد شوند معاونت به‌شمار می‌آیند. به موجب این ماده «معاون یک جنایت یا جنحه شخصی است که آگاهانه به وسیله کمک یا مساعدت ارتکاب یا اجرای آن را تسهیل کرده است. همچنین شخصی که به وسیله بخشش، وعده، تهدید، سوءاستفاده از مقام یا قدرت دیگری را به ارتکاب یک جرم تحریک کرده یا آموزش‌هایی برای ارتکاب آن بدهد، معاون است».^۲ باید متذکر شد که از تحریک چه در قانون مجازات اسلامی سابق و چه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تعریفی ارائه نشده است. تحریک می‌تواند مستقیم و یا غیر مستقیم باشد. تحریک مستقیم حالتی است که «اندیشه ارتکاب جرم به وضوح بیان و به دیگری القا شده باشد».^۳ در تحریک به شکل غیر مستقیم احراز سایر شرایط حاکم بر تحریک و اعمال قواعد مربوط به معاونت بسیار حیاتی

^۱- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد ۲، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳، ص ۱۰۲.

^۲- «Est complice d'un crime ou d'un délit la personne qui sciemment, par aide ou assistance, en a facilité la préparation ou la consummation».

«Est également complice la personne qui par don, promesse, menace, ordre, abus d'autorité ou de pouvoir aura provoqué à une infraction ou donné des instructions pour la commettre».

^۳- صناعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۲، ص ۹۱.

است؛ در غیر این صورت برداشت اشتباه از این قسم از تحریک و تمایل به سوءاستفاده از آن ما را درگیر مشکلات متعددی خواهد کرد.

با توجه به اطلاق موجود در عبارات قانون‌گذار به نظر می‌رسد تحریک می‌تواند فردی یا جمعی باشد. البته برخی معتقدند که با توجه به آنکه حقوق فرانسه الهام‌بخش برخی قوانین جزایی ما بوده است در اینجا نیز به تبعیت از قوانین جزایی فرانسه تحریک باید «فردی» باشد.^۱ مهم‌تر از همه‌ی آنچه گفته شد این نکته است که تحریک باید موثر باشد و در اثر تحریک جرمی به وقوع بپیوندد یا شروع به اجرای آن شود. از آنجا که در بحث از «تحریک به خودکشی» نیازمند ذکر مبانی و اصول حاکم بر نظام معاونت در جرم هستیم در ادامه به اختصار به این بحث خواهیم پرداخت.

در کتب فقهی تعاریفی از معاونت در اثم و گناه، که به دلالت آیه ۳ سوره مائده و دلایل عقلی و نقلی متعدد حکم به حرمت آن داده شده است، آمده است. به عنوان مثال مرحوم شیخ انصاری می‌فرماید: «معاونت عبارت است از انجام برخی مقدمات فعل حرام به قصد ایجاد آن حرام، نه مطلق انجام دادن آن مقدمات».^۲ عبدالقادر عوده در کتاب التشریح الجنایی در بحث از معاون و معاونت در جرم این‌گونه آورده است: «هر شخصی که با شخص دیگر توافق کند بر ارتکاب فعلی که دارای مجازات است یا شخص دیگری را ترغیب نماید و یا در این فعل به او کمک کند معاون جرم محسوب می‌گردد. بنابراین در معاون جرم شرط است که شخص توافق یا تشویق یا کمک بر جرم را قصد کرده باشد. به بیانی دیگر معاونت در جرم به سبب اجتماع شروط ذیل محقق می‌شود: اولین شرط وجود فعل دارای مجازات یعنی جرم است. دومین شرط وجود وسیله‌ای است برای این فعل که عبارت است از توافق یا تشویق یا کمک کردن. سومین شرط عبارت است از اینکه از این وسایل وقوع آن فعلی را که دارای مجازات است قصد کند».^۳

با توجه به تعاریف و شرایط ذکر شده این پرسش به ذهن متبادر می‌گردد که مبنای مسئولیت و قابل مجازات بودن معاون چیست؟ آیا اعمال ارتكابی از سوی معاون عاری از بار مجرمیت

^۱ - همان.

^۲ - انصاری، مرتضی، مکاسب، جلد ۱، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری، ۱۴۱۵ ه. ق، ص ۱۳۳.

^۳ - کوشا، جعفر، بایسته‌های حقوق جزای اختصاصی، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۰، ص ۷۹؛ به نقل از عوده، عبدالقادر، التشریح الجنایی الاسلامی، ترجمه نعمت‌الله الفت و همکاران، جلد ۲، تهران: میزان، ۱۳۷۳، ص ۱۱۰.

خاص هستند؟ در مجموع می‌توان گفت که معاونین در جرم در مقایسه با شرکای جرم نقشی فرعی در فرایند ارتکاب جرم بازی می‌کنند، با این همه رفتار آنان - که البته واجد شرایط مورد نیاز برای معاونت در جرم است - به تحقق جرم اصلی به شکل موثری یاری رسانیده است. به عبارتی معاونین جرم مرتکب هیچ یک از رفتارهای قابل سرزنش در فرایند عملیات اجرایی جرم اصلی نشده‌اند و شاید عنصر مادی جرم اصلی بدون حضور این افراد نیز به وقوع می‌پیوست اما نوع همکاری و دخالت این افراد در پیرامون جرم ارتكابی در تحقق نتیجه نهایی، به شکل واقع شده، نقش موثر داشته است. به نظر می‌رسد که بر همین مبناست که در اکثر نظام‌های حقوقی در مجازات معاون، بر این اساس که رفتار ارتكابی از سوی معاون به طور خاص واجد وصف قابل سرزنش بودن و متعاقبا مجرمانه نیست، از سیستم استعاره مجرمیت پیروی می‌شود. لازم به توضیح است که در رابطه با مبنای حقوقی جرم‌انگاری معاونت دو دسته نظریه با عناوین سیستم استعاره مجرمیت و سیستم استقلال مجرمیت مطرح شده است. قانون جزای فرانسه^۱ با تأکید بر سیستم استعاره‌ی مطلق مجرمیت معاون جرم از عمل مرتکب اصلی، معاون را مستحق همان مجازات مرتکب اصلی می‌داند.^۲ با توجه به مجازات‌های در نظر گرفته شده در ماده ۱۲۷ قانون مجازات برای معاون جرم می‌توان گفت که در حقوق ایران نظریه مجرمیت عاریه‌ای نسبی مورد پذیرش قانون گذار است.

در مجازات معاون قانون گذار اسلامی ایران، علاوه بر مقررات عام، شیوه‌های دیگری نیز در پیش گرفته است. از سویی فصل سوم قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مجازات خفیف تر از مجازات مباشر جرم را برای معاون جرم مقرر داشته است. و از سویی به استناد تبصره ۲ ماده ۴۳ ق. م. ا سابق (صدر ماده ۱۲۷ ق. م. ا. جدید) و یا قوانین خاص گاه مجازات معاون به شرع واگذار شده است و در برخی موارد قانون گذار معاون جرم را مستحق همان مجازات تعیین شده برای مرتکب اصلی می‌داند؛ مجازات‌های مقرر در ماده ۶۲۴ و ۷۱۰ ق. م. ا. تعزیرات (۱۳۷۵) از این دست هستند. قانون گذار بعضا با توجه به درجه‌ی خطر یک رفتار برای نظم عمومی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی آن، بدون در نظر گرفتن قواعد حاکم بر مجازات معاونت در جرم، رفتارهایی

^۱ - 121-6: Sera puni comme auteur le complice de l'infraction, au sens de l'article 121-7.

^۲ - Vermelle, Georges, Le nouveau droit penal, Paris, edition Dalloz, 1994, 147.

که نوعی از معاونت به‌شمار می‌آیند را به عنوان جرم مستقل جرم‌انگاری نموده است. به نظر می‌رسد در چنین مواردی ما با «معاونت‌های دارای مجازات خاص» سروکار نداریم بلکه با رفتارهای مجرمانه‌ای سروکار داریم که در مصادیق عام مربوط به معاونت، مذکور در ماده ۴۳ ق. م. ا. سابق و در حال حاضر ماده ۱۲۶ ق. م. ا. ۱۳۹۲ نیز جای خواهند گرفت. به عبارتی قانون‌گذار، با توجه به مبانی حاکم بر جرم‌انگاری، ماهیت رفتاری را با در نظر گرفتن شرایط خاص حاکم بر آن واجد وصف مجرمانه دانسته است، بی‌آنکه بحث راجع به ارتکاب یا عدم ارتکاب رفتاری به عنوان «جرم اصلی» در آن مطرح گردد.

۲-۲. تحریک به عنوان مصداقی از جرایم علیه امنیت

به موجب ماده ۵۱۲ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات ۱۳۷۵: «هرکس مردم را به قصد برهم زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار یا یکدیگر اغوا یا تحریک کند صرف‌نظر از این که موجب قتل و غارت بشود یا نشود به یک تا پنج سال حبس محکوم می‌گردد». بر اساس این ماده تحریک‌کننده مباشر جرم محسوب می‌شود. در ماده مذکور تحریک به عنوان یک جرم علیه امنیت به صورت مطلق پذیرفته شده است و نتیجه‌ی تحریک و یا آثار تحریک در میزان مجازات تأثیری ندارد. در رابطه با فرد مرتکب جرم ماده ۵۱۲ مذکور دو حالت متصور است: چنانچه در اثر تحریک صورت پذیرفته از سوی وی دیگری دست به قتل یا کشتار نزده و مرتکب اعمال مذکور در ماده نشود تحریک‌کننده صرفاً به مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد، اما اگر تحریک‌شونده مرتکب قتل یا کشتار دیگران شود و اثبات گردد که اعمال مجرمانه‌ی وی در نتیجه‌ی تحریک صورت گرفته بوده است در این حالت ما با تعدد معنوی مواجه هستیم که فعل واحد دارای دو عنوان است: ۱- تحریک به عنوان جرم علیه امنیت ۲- تحریک به عنوان معاونت در جرایم صورت گرفته از سوی فرد تحریک‌شده که به موجب ماده ۱۳۱ ق. م. ا. ۱۳۹۲ مجازات اشد نسبت به وی اعمال خواهد شد.

۳. تحریک به خودکشی

حالت‌های متصور در رابطه با تحریک در قانون مجازات اسلامی را به عنوان مقدمات طرح این بحث مورد بررسی قرار دادیم. حال سوال این است که: اگر عمل اصلی، که فرد دیگری را به آن

مدل‌های سیاست جنایی در توجیه جرم‌انگاری رفتارها از اصول مشترکی پیروی نمی‌کنند.^۱ در این میان اصولی همچون پدربسالاری قانونی نیز مطرح شده و اینجاست که بحث از میزان تاثیر رضایت افراد در نحوه مداخلات کیفری بررسی شده و این سوال پیش می‌آید که افراد تا چه میزان و چه وقت آزادانه و عاقلانه تصمیم می‌گیرند. به هر حال آنچه در بحث از جرم‌انگاری در خودکشی و یا معاونت در خودکشی و یا رفتارهایی که به هر شکلی منجر به صدمه به خود می‌گردند در نظام کیفری ما برای ما کارآمد خواهد بود بحث از فلسفه جرم‌انگاری در اسلام در این نوع مباحث است، تا در نهایت دریابیم که در سیاست جنایی اسلام منع چنین رفتارهایی تا چه میزان مداخله را توجیه می‌نماید و در نهایت آیا ما مجاز به ورود به این حوزه خواهیم بود و یا خیر؟ در شریعت اسلامی احکام هم ناظر به مصالح و مفاسد آدمی در ارتباط با دیگران است و هم ناظر بر خود انسان. صیانت از نفس بر اساس اصل مصلحت، بنیان نهاده شده است و حکومت برای جلوگیری از ایراد ضرر به خود مجاز به دخالت در آزادی افراد شده است. باید توجه کرد که در این نظام به هم پیوسته مرز مشخصی میان قواعد اخلاقی و حقوقی ترسیم نشده است و در بسیاری موارد ضمانت اجراهای اخروی و اصول اخلاقی در کنار قواعد حقوقی بیان شده است - البته این امر اگر به درهم‌آمیختگی بیانجامد می‌تواند مضر باشد. در رابطه با رفتارهای مضر به نفس نیز از جهت نظری مرز مشخصی برای دخالت حقوق معین نشده است و در برخی موارد قانون‌گذار با استناد به اصل ضرورت حمایت از اخلاق، جرم‌انگاری و دخالت‌های خود را توجیه می‌نماید.^۲ به هر حال آنچه از این بحث مورد استفاده ما خواهد بود وجود مبنا و توجیه جرم‌انگاری در حوزه رفتارهای مضر به خود در سیاست جنایی اسلام بر مبنای مصلحت افراد و نیل به سعادت با توجه به ارزش‌های مورد حمایت اسلام است. در چنین حالتی با توجه به آنچه در بحث از معاونت در رابطه با معاونت از دیدگاه اسلام گفتیم، تحریک به چنین رفتارهایی از نظر اسلام و با توجه به مصالح افراد قابل سرزنش است. اما آیا مداخله کیفری و ورود این رفتار به حوزه حقوق قابل توجیه است؟

^۱ - دلماس مارتی، می‌ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد ۱، تهران: میزان، ۱۳۸۱، صص ۷۸-۵۹.

^۲ - محمودی جانکی، فیروز، "مبنای فلسفی منع حقوقی و کیفری ایراد اضرار به خود"، فصلنامه حقوق، سال ۳۷، شماره ۱، ۱۳۸۶، صص ۱۵۷-۱۱۷، ص ۱۴۲.

به نظر می‌رسد در چنین مواردی در کنار آنچه در رابطه با قواعد معاونت جرم در دکترین‌های حقوقی مطرح شده، رابطه‌ی این نوع اعمال با نظم و امنیت اجتماعی است که باید مورد توجه قرار گیرد.^۱ نگاهی عمیق‌تر به مساله ما را به این باور می‌رساند که در نهایت تحریک به خودکشی مستقلاً و بدون توجه به جرم بودن یا نبودن رفتار اصلی چنان قبح اخلاقی‌ای دارد و چنان به نظم و امنیت روانی جامعه صدمه می‌رساند که خود می‌تواند موضوع ضمانت اجرای کیفری قرار گیرد. اقدامات قانون‌گذار در سال‌های اخیر در جرم‌انگاری اشکال خاصی از این رفتارها، که با استفاده از وسایل ارتباط جمعی که نقش بسیار مهمی در زندگی اجتماعی ما بازی می‌کنند، ارتکاب می‌یابند، با همین دیدگاه قابل توجیه است. در اغلب کشورهایی که معاونت و تحریک به خودکشی قابل مجازات شناخته شده است جرم‌انگاری در این حوزه را به این شیوه توجیه می‌نمایند که کمک در قتل عمدی دیگری جرم است و صرف اینکه در خودکشی قاتل و مقتول یکی است به معنای آن نخواهد بود که عمل فرد کمک‌کننده به اندازه کافی قابل سرزنش نیست. بر اساس این دکترین رویه‌های گوناگونی در قانون‌گذاری در پیش گرفته شده است. از سویی مخالفین جرم‌انگاری معاونت در خودکشی بر این اعتقادند که اگر هر کس را در تعیین نوع مرگ خود آزاد بدانیم، کسی را که دیگری را در اجرای تصمیم خود یاری می‌رساند نمی‌توان قابل مجازات دانست اما در پاسخ این طرز فکر ساده‌انگارانه باید گفت که بررسی‌های علمی نشان از آن دارد که افرادی که اقدام به خودکشی می‌نمایند اغلب در حالت روانی مناسبی به سر نمی‌برند.^۲ مهم‌تر آنکه زمانی که فردی دیگری را به نحوی تحریک و ترغیب به خودکشی می‌نماید و یا دیگری را در اقدام به خودکشی مصمم‌تر می‌کند در واقع به نحو موثری قدرت تصمیم‌گیری فرد را تحت تاثیر قرار می‌دهد که گاه اگر اقدامات مثبت وی نبود نهایتاً فرد دست به خودکشی نمی‌زد. البته با توجه به آنکه وارد کردن یک رفتار به حوزه حقوق کیفری و تحمیل مجازات به عنوان سنگین‌ترین نوع واکنش نیازمند دقت است در خصوص جزئیات حاکم بر نوع

^۱ - آقای نیای پیشین، ص ۲۷.

^۲ - Mullock, Alexandra, "Overlooking the Criminally Compassionate: What are the Implications of Prosecutorial Policy on Encouraging or Assisting Suicide?", *Medical Law Review*, Vol. 18, No. 4, 2010, available at: <http://medlaw.oxfordjournals.org/content/18/4/442.short> (last visited on 11/05/ 2013)

رفتار مسائل مهمی وجود دارد که باید پاسخی مناسب برای آن‌ها یافت. به عنوان مثال آیا باید میان حالتی که فرد به عنوان تحریک‌کننده‌ی اصلی و با توجه به شرایط روحی نامناسب دیگری فکر اصلی خودکشی را به او القا می‌کند با حالتی که فرد تنها با قول به تهیه برخی وسایل فرد را به سرانجام رساندن فکر خودکشی مطمئن و به نوعی وی را تحریک به اقدام به خودکشی می‌نماید تمایز قائل بود؟ آیا اگر خودکشی به نتیجه نرسد باید قائل به تفاوت در نوع و میزان مجازات تحریک‌کننده با حالتی بود که اقدام فرد برای خودکشی به نتیجه‌ی مورد نظر می‌رسد؟ به نظر می‌رسد اگر با توجه به مبانی اعتقادی و ایدئولوژیکی هر جامعه مقررات واضح و دقیقی وضع گردد می‌توان راه‌کارهای مفیدی در این باب یافت.

۱-۳. سابقه تقنینی معاونت در خودکشی در حقوق فرانسه

بعد از انقلاب فرانسه مجازات‌های سابق خودکشی ملغا گشتند و بنا بر نظریه استعاره‌ی مجرمیت تحریک به خودکشی جرم محسوب نمی‌گردید، اما امکان رسیدگی به این موارد تحت عنوان «یاری نکردن فرد در معرض خطر»، وجود داشت. رویه قضایی فرانسه، قتل بنا به درخواست یا فرمان را جنایت شمرده بود.^۱ در حال حاضر در کشور فرانسه، خودکشی جرم نیست اما قانون‌گذار فرانسوی در قانون جزایی مصوب ۱۹۹۲م. تحت عنوان «به خطر انداختن اشخاص» از ماده ۱۳-۲۲۳ به بعد به بحث پیرامون تحریک به خودکشی می‌پردازد و تحریک به خودکشی برابر مواد ۱۳-۲۲۳ و ۱۴-۲۲۳ و ۱۵-۲۲۳ قانون جزای این کشور به عنوان جرم مستقلی قابل مجازات شناخته شده است. براساس مواد فوق، اقدام به تحریک دیگری به خودکشی، در صورتی که تحریک منتهی به خودکشی یا شروع به خودکشی شده باشد مستوجب تا سه سال حبس و تا چهل و پنج هزار یورو جریمه نقدی است. چنانچه جرم مذکور (در بند قبلی) نسبت به کسی که دارای کم‌تر از ۱۵ سال سن باشد ارتکاب یابد، مجازات مرتکب به ۵ سال حبس و جزای نقدی به مبلغ هفتاد و پنج هزار یورو افزایش

¹- Ashworth, Andrew & Steiner, Eva, "Criminal Omissions and Public Duties: the French Experience", Legal Studies, Vol. 10, Issue 2, 1990, available at: <http://heinonline.org>, (last visited on 28/05/ 2013)

می‌یابد.^۱ با توجه به مواد فوق تحریک به خودکشی در حقوق فرانسه در دو حالت کلی قابل بررسی است. اول اینکه چنانچه تحریک‌شونده بالغ و بیش از پانزده سال سن داشته باشد خواه موفق به خودکشی شود یا شروع به خودکشی نماید؛ و حالت دوم در جایی است که تحریک‌شونده تا پانزده سال سن داشته باشد خواه در اثر تحریک خودکشی اتفاق افتد و خواه فرد شروع به خودکشی نماید. بنابراین مجازات تحریک به خودکشی با توجه به سن تحریک‌شونده متغیر می‌باشد. در ادامه تبلیغ و ترویج تولیدات و مواد یا روش‌هایی که مرگ‌آور هستند و می‌تواند موجب تحریک دیگران به خودکشی گردد و به عبارتی به نوعی فرد را در اثربخش بودن اقدام خود مطمئن می‌نماید - خصوصاً از طریق وسایل ارتباط جمعی - چنانچه منجر به خودکشی گردد، قابل مجازات شناخته شده است.

۲-۳. تحریک به خودکشی در حقوق ایران

با توجه به اصول پذیرفته شده‌ی حاکم بر معاونت در حقوق کیفری ایران، معاونت جرمی استعاره‌ای است که خاصیت مجرمانه‌ی خود را از جرم اصلی وام می‌گیرد. بنابراین با توجه به آنکه خودکشی در قانون ما جرم‌انگاری نشده است، در حال حاضر هر عملی که به نحوی تحریک و تسهیل در خودکشی باشد، قابل مجازات نمی‌باشد. با وجود آنکه خودکشی همواره در تاریخ ایران امری قابل سرزنش و مخالف با اصول اخلاقی و دینی بوده است قانون‌گذار در هیچ دوره‌ای از ادوار قانون‌گذاری تمایلی به تصویب مقرره‌ای نداشته است که این اعمال تحریک و تسهیل‌کننده را در قالب جرم خاص مجازات کند؛ تا اینکه در سال ۱۳۸۸ به موجب قانون جرایم رایانه‌ای، معاونت در خودکشی به وسیله سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی، جرم شناخته شده

^۱ - Article 223-13: «Le fait de provoquer au suicide d'autrui est puni de trois ans d'emprisonnement et de 45000 euros d'amende lorsque la provocation a été suivie du suicide ou d'une tentative de suicide.

Les peines sont portées à cinq ans d'emprisonnement et à 75000 euros d'amende lorsque la victime de l'infraction définie à l'alinéa précédent est un mineur de quinze ans.

Les personnes physiques ou morales coupables du délit prévu à la présente section encourrent également la peine complémentaire suivante: interdiction de l'activité de prestataire de formation professionnelle continue au sens de l'article L. 6313-1 du code du travail pour une durée de cinq ans».

است. «ماده ۷۴۳-۱ هرکس از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده مرتکب اعمال زیر شود، به ترتیب زیر مجازات خواهد شد... (ب) چنانچه افراد را به ارتکاب جرایم منافی عفت یا استعمال مواد مخدر یا روان‌گردان یا خودکشی یا انحرافات جنسی یا اعمال خشونت‌آمیز تحریک یا ترغیب یا تهدید یا دعوت کرده یا فریب دهد یا شیوه ارتکاب یا استعمال آن‌ها را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم می‌شود. تبصره - مفاد این ماده و ماده (۷۴۲) شامل آن دسته از محتویاتی نخواهد شد که برای مقاصد علمی یا هر مصلحت عقلایی دیگر تهیه یا تولید یا نگهداری یا ارائه یا توزیع یا انتشار یا معامله می‌شود». این اقدام قانون‌گذار را می‌توان در راستای اهمیتی که امروزه این نوع رسانه‌های جمعی در زندگی افراد بازی می‌کنند تفسیر نمود. افراد امروزه از طریق این نوع رسانه‌ها با حجم وسیعی از اطلاعات و گرایش‌های فکری و احساسی آشنا می‌گردند. خصوصاً گروه سنی مذکور با توجه به قرارگرفتن در شرایط سنی خطرناک شدیداً تحت تاثیر برخی رسانه‌ها بوده و نیازمند حمایت بیشتری هستند. بنابراین با توجه به مصالح مذکور اعمال تدابیری که بتواند نقش پیشگیرانه داشته باشد مورد نیاز است.

اگر بخواهیم در بحث کلی‌تر - و رای مصالح خاصی که جرم‌انگاری معاونت و تحریک به خودکشی در فضای رسانه‌ای را توجیه می‌نماید - در باب لزوم و امکان جرم‌انگاری رفتارهای تحریک‌کننده که منجر به خودکشی و یا شروع به آن گردیده‌اند با توجه به سوابق قانون‌گذاری و مبانی فقهی صحبت کنیم باید گفت؛ با توجه به آنکه در منابع معتبر فقهی خودکشی به عنوان عملی حرام و قابل سرزنش و همراه با مجازات اخروی مطرح شده و هر نوع معاونت در اثم و گناه حرام و قابل سرزنش است، می‌توان تحریک به آن را به وصف کیفری متصف نمود. هرچند «خودکشی» با توجه به شرایط حاکم بر نوع رفتار، قابل مجازات نیست. امام صادق (ع) در این رابطه می‌فرماید: «هرکس گرچه به قدر یک کلام ناچیز، فرد خودکشی کننده و یا قاتل دیگری را کمک نماید در قیامت به گونه‌ای حاضر می‌شود که میان دو چشم او نوشته شده است: از

^۱ - به موجب ماده ۵۵ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ مواد ۱ تا ۵۴ این قانون به عنوان مواد ۷۲۹ تا ۷۸۲ قانون مجازات اسلامی با عنوان فصل جرایم رایانه‌ای منظور گردید.

رحمت خدا مایوس است.^۱ در چنین حالتی رفتار فرد محرک با توجه به خطری که برای حیات افراد خواهد داشت به خودی‌خود میزانی از قبح اخلاقی و ضرر اجتماعی را داراست که بتوان قائل به ورود آن به عنوان یک جرم خاص به حوزه رفتارهای قابل مجازات بود. همان‌طور که قانون‌گذار در رابطه با بسیاری از مصادیق معاونت و تحریک به جرم با در نظر گرفتن مصالح اجتماعی این‌گونه برخورد کرده است که بارزترین نمونه آن را در رابطه با تحریک در جرایم علیه امنیت مورد بررسی قرار دادیم، در چنین حالتی قانون‌گذار از سویی با توجه به خطرناکی نوع عمل و مبانی جرم‌انگاری از دیگر سو در رابطه با مجازات و شرایط حاکم بر آن تصمیم‌گیری می‌نماید و خود را نیازمند رعایت موارد حاکم بر معاونت در جرم نمی‌بیند.

نتیجه‌گیری

بررسی تاریخی نشان از قبح اخلاقی و منع و حرمت دینی خودکشی نزد جوامع و در ادوار تاریخی مختلف دارد. امروزه با توجه به عوامل ریشه‌ای و خصوصیات عمل ارتكابی - علی‌رغم قابلیت سرزنش عمل - نظام‌های حقوقی دنیا خودکشی را قابل مجازات و واجد شرایط ورود به حوزه حقوق کیفری ندانسته‌اند. با این حال نباید از بررسی و بحث در باب اشکال مختلف مشارکت و همکاری در این عمل غافل بود. تحریک به خودکشی در بسیاری از نظام‌های حقوقی دنیا به عنوان معاونت در عملی دارای قبح اخلاقی قابل مجازات است. گرچه این تصور وجود دارد که تحریک به خودکشی در حقوق کیفری ما با توجه به پذیرش نظام استعاره‌ی مجرمیت در قواعد معاونت قابل مجازات نیست اما باید توجه کرد که قانون‌گذار گاه فرای از قواعد حاکم بر معاونت به یک رفتار خاص می‌نگرد و امکان یا عدم امکان جرم‌انگاری آن عمل را با توجه به خصوصیات و شرایط حاکم بر آن مورد بررسی قرار می‌دهد، همان‌گونه که در تحریک به عنوان یکی از مصادیق جرایم علیه امنیت این‌گونه عمل کرده است.

بررسی فقهی و مبانی جرم‌انگاری در حقوق کیفری اسلام نشان‌گر حرمت دینی چنین اعمال و امکان ورود آن به حوزه حقوق کیفری است. البته چنین اقدامی در نهایت همانند تمامی حوزه‌های حقوق کیفری نیازمند ریزبینی و دقت فراوان در تدوین مقرراتی جامع و مانع است.

^۱ - شفیعی مازندرانی، سیدمحمد، "ممنوعیت خودکشی از دیدگاه فقه اسلامی"، مجله پژوهش‌های فقهی، سال ششم، ۱۳۸۹، شماره ۱، صص ۵۳-۳۹.

منابع

فارسی و عربی

- ۱- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد ۲، تهران: نشر میزان، چاپ ۳۲، ۱۳۹۳.
- ۲- انصاری، مرتضی، مکاسب، جلد ۱، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری، ۱۴۱۵ ه. ق.
- ۳- آقای‌نیا، حسین، حقوق کیفری اختصاصی، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴.
- ۴- خوبی، ابوالقاسم، مصباح الفقاهه فی المعاملات، ترجمه محمدعلی توحیدی، جلد ۲، نجف: مکتبه الحیدری، ۱۳۷۸.
- ۵- دلماس مارتی، می‌ری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان، ۱۳۸۱.
- ۶- دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه، جلد ۴، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- ۷- ستوده، هدایت‌الله، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آوای نور، ۱۳۸۷.
- ۸- شفیعی مازندرانی، محمد، "ممنوعیت خودکشی از دیدگاه فقه اسلامی"، پژوهش‌های فقهی، سال ششم، شماره ۱، ۱۳۸۹.
- ۹- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، جلد ۳، قم: جامعه المدرسین، الطبعة الثانية، ۱۴۰۴ ه. ق.
- ۱۰- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۲.
- ۱۱- صدیق سروستانی، رحمت ا...، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: سمت، ۱۳۸۶.
- ۱۲- طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم، عروة الوثقی، جلد ۲، قم: مؤسسه نشر الاسلامی، ۱۴۱۷ ه. ق.
- ۱۳- طباطبایی، محمدحسن، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، جلد ۴، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹.
- ۱۴- عاملی، شیخ حر، وسایل الشیعه، جلد ۱۹، قم: موسسه آل اهل البیت (ع)، الطبعة الثانية، ۱۴۱۴ ه. ق.
- ۱۵- فیض، رضا، "نگاه یک فیلسوف و یک عارف به مساله خودکشی: فلوطین و ابن عربی"، مجموعه مقالات سومین کنگره بین‌المللی حقوق پزشکی، ۱۳۸۹.
- ۱۶- کوشا، جعفر، بایسته‌های حقوق جزای اختصاصی، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۰.
- ۱۷- کی‌نیا، مهدی، مبانی جرم‌شناسی، جلد ۱، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ۱۲، ۱۳۸۷.

- ۱۸- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ۱۰، ۱۳۸۳.
- ۱۹- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالانوار، جلد ۲، بیروت: مؤسسه الوفاء، الطبعة الثانية، ۵۱۴۰۳ ق.
- ۲۰- محمودی جانکی، فیروز، "مبنای فلسفی منع حقوقی کیفری ایراد اضرار به خود"، فصلنامه حقوق، سال ۳۷، شماره ۱، ۱۳۸۶.
- ۲۱- معین، محمد، فرهنگ فارسی، جلد ۱، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ ۱۴، ۱۳۷۸.
- ۲۲- مکارم الشیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، جلد ۲، ناشر مدرسه الامام أميرالمؤمنین (ع)، الطبعة الثالثة، ۱۴۱۱ هـ ق.
- ۲۳- مهرپور، حسین و دیگران، "اجرای حقوقی اخلاق"، مجله مدرس، دروه ۴، شماره ۵، ۱۳۸۰.
- ۲۴- میرمحمد صادقی، حسین، جرائم علیه اشخاص، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۷.
- ۲۵- ولیدی، محمدصالح، حقوق جزای اختصاصی، جلد ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ ۲، ۱۳۷۲.

انگلیسی و فرانسه

- 26- Arafa, Mohamad, Criminal Complicity, Alexandria University - Faculty of Law; working papers series, 2008, available at: <http://ssrn.com/abstract=1933635>, (last visited on 11/05/ 2014)
- 27- Ashworth, Andrew & Steiner, Eva, Criminal Omissions and Public Duties: the French Experience, Legal Studies, Vol. 10, Issue 2, 1990, available at: <http://heinonline.org> (last visited on 28/05/ 2013)
- 28- Code Penal François 2012.
- 29- Latha, K S & Geetha, N., Criminalizing Suicide Attempts: Can it be a deterrent?, Med. Sci. Law, Vol. 44, No. 4, 2004, available at: <http://msl.sagepub.com/content/44/4/343> (last visited on 28/05/ 2013)
- 30- Manson, Edward, Suicide as a Crime, Journal of the Society of Comparative Legislation, New Series, Vol. 1, No. 2, 1999, available at: <http://www.jstor.org/stable/752206> (last visited on 11/01/2013)
- 31- Mullock, Alexandra, Overlooking the Criminally Compassionate: What are the Implications of Prosecutorial Policy on Encouraging or Assisting Suicide? Medical Law Review, Vol. 18, No. 4, 2010, available at: <http://medlaw.oxfordjournals.org/content/18/4/442.short> (last visited on 11/05/ 2013)

- 32- Shaffer, Catherine D., Criminal Liability for Assisting Suicide, Columbia Law Review, Vol. 86, No. 2, 1986, available at: <http://www.jstor.org/stable/1122707> (last visited 11/01/2013)
- 33- Velasquez, Manuel G., Defining Suicide, Law & Medicine, Vol. 3, Issue1, 1987, available at:
<http://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/ilmed3&div=14&id=&page=> (last visited 11/01/2013)
- 34- Vermelle, Georges, Le nouveau droit penal, Paris, edition Dalloz, 1994.